

سلام دوستان،

همانطور که سر دوتا از کلاس‌ها گفتیم، جامعه‌شناسی یاد گرفتن مهارت‌های عملی یا فرمول‌های حل مسئله برای استفاده از آن‌ها در مسائل پیش رو نیست. علوم تجربی و ریاضی به شما شیوه‌های حل مسئله را یاد می‌دهند و بعد شما در طول کار، از این شیوه‌ها و فرمول‌ها استفاده می‌کنید تا واقعیت پیش روی خودتان رو بهتر بشناسید و بفهمید که جواب سئوال‌هایتان چیست. مثلاً یک مهندس پل‌ساز، یا یک دکتر عمومی را در نظر بگیرید. معادلات فیزیکی، علم مواد و فرمول‌های مهندسانه کمک می‌کنند تا مهندس بتواند بفهمد که یک پل خاص را چطور باید درست کرد. پزشک عمومی هم اول عوارض بیماری را بررسی می‌کند و طبق دانشی که در ذهن دارد و قواعد طبقه‌بندی بیماری‌ها، مریضی را تشخیص می‌دهد، و دست آخر با توجه به قواعد و دستورالعمل‌های درمان، بیمارش را معالجه می‌کند. اما در جامعه‌شناسی یا به طور کلی علوم انسانی، اتفاقی که می‌افتد این است که اول شما با نظریاتی درباره‌ی مسائل مختلف جوامع متفاوت آشنا می‌شوید و بعد باید تلاش کنید تا مسئله‌ی خودتان را حل کنید.

مثلاً در جامعه‌شناسی شما با نظریاتی درباره‌ی سیر تکامل علوم در جوامع غربی، نبرد طبقات اقتصادی، میزان و انواع خودکشی، تأثیر مذهب پروتستان بر رشد سرمایه‌داری و فرم‌های عمل اجتماعی آشنا می‌شوید، اما باید از این گفته‌های نامربوط به حل مسئله‌ی خشک‌سالی در ایران بپزدازید. در واقع در علوم تجربی و ریاضی شما علم را یاد می‌گیرید و پاسخ مسئله را می‌یابید یا تولید می‌کنید. اما در علوم انسانی برخلاف علوم دیگر شما باید خود علم را تولید کنید. در علوم تجربی و ریاضی شما اول قواعد را یاد می‌گیرید و بعد با کمک حافظه کار می‌کنید. در علوم انسانی شما اول نظریه‌ها را حفظ می‌کنید و بعد باید قواعدی را کشف کنید. علوم تجربی و ریاضی با تعقل شروع می‌شوند و به حافظه ختم می‌شوند. علوم انسانی با حافظه شروع می‌شوند و به تعقل ختم می‌شوند.

خب، اما جامعه‌شناس‌های مختلفی تا حالا درباره‌ی رابطه‌ی آب و جامعه و خصلت‌های مردم ایران حرف زده‌اند؛ و البته درباره‌ی رابطه‌ی تهران و آب. همانطور که گفتیم شما چه به لیست پرجمعیت‌ترین شهرهای جهان نگاه کنید و چه به فهرست وسیع‌ترین شهرها، تهران را در آن لیست پیدا می‌کنید. و چیزی که جالب است این است که جز تهران همه‌ی شهرهای بزرگ یا پرجمعیت جهان در کنار دریا یا رودخانه ساخته شده‌اند. از طرف دیگر ایران امروز به کلی در منطقه‌ی کم‌آب قرار گرفته. این نقشه‌ی ایران در عصر ساسانی است:



ایران امروزی دقیقاً منطقه‌ی کم‌آب مرکز این نقشه است. این سؤال مهمی است که این کم‌آبی چه نقشی در تاریخ ایران یا تهران داشته. جامعه‌شناس‌های مختلفی به این مسئله توجه کرده‌اند و نظریاتی برای آن تولید کرده‌اند. نظریه‌هایی چون:

۱- نظریه‌ی استبداد شرقی یا استبداد آسیایی (ویتفولگ-وبر)

۲- نظریه‌ی موانع رشد سرمایه‌داری (احمد اشرف-مارکس)

۳- نظریه‌ی جامعه‌ی کوتاه مدت و جامعه‌ی کلنگی (محمدعلی همایون کاتوزیان)

۴- نظریه‌ی راهبرد و سیاست سرزمینی و نظریه‌ی آبادی جانشین شهر (پرویز پیران)

اما تکلیف چیست؟ تکلیف این هفته این است که یکی از این نظریه‌ها را انتخاب کنید، و آنرا در دو پاراگراف توضیح بدهید. متن نباید بیشتر یا کمتر از دو پاراگراف باشد. یادتان باشد که دوپاراگراف با یک پاراگراف بلند که وسطش اینتر خورده فرق دارد. مسئله‌ی دوم این است که باید توجه کنید این است که هیچ نوع کپی/پیست قبول نیست. در تکالیف قبلی باید کپی/پیست می‌کردید، اما اینجا به هیچ‌وجه این کار را نکنید. من می‌خواهم بینم شما چقدر نظریه را فهمیده‌اید و چطور می‌توانید آنرا نقل کنید. پس کار سخت نیست. کمی درباره‌ی یکی از این نظریه‌ها مطالعه کنید و بعد هرچیزی را که در ذهنتان مانده بنویسید. اگر تقلب کنید مجتبان را می‌گیرم؛ امتحانش ضرر زیادی ندارد، فقط یک منفی می‌گیرید.